



گفت وگویی «فرهیختگان» با دکتر سلیمی، رئیس دانشگاه علامه هیچ دانشجویی در محیط دانشگاه دستگیر نشده است

■ با مواضعی که مدعی هستند اگر کسی جرمی مرتکب شده نباید با او برخورد شود، طبیعتاً موافق نیستیم ولی اینکه کسی بگوید اگر دانشجویی خطایی مرتکب شده باید فقط در چارچوب قانون با او برخورد شود این به نظر موضوع درستی است که همه ما باید آن را پیگیری کنیم

صفحه ۲ را بخوانید

گزارش «فرهیختگان» از وضعیت آرایشگاه‌های زنانه در تهران آرایشگاه‌های چندمنظوره

عضو مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری: **اغتاشات سیاست‌های منطقه‌ای ترامپ را تغییر می‌دهد**

تکین حمزه‌لو در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

کتاب فروشی‌ها برایشان افت دارد که میزان فروش عامه‌پسندها را اعلام کنند!



بازتاب

درباره پاسخ استاندار کرمانشاه به سرمقاله «فرهیختگان»

رسانه‌ها دشمن نیستند

سرمقاله روزنامه فرهیختگان در تاریخ ۲۷ آذرماه ۹۶ به قلم محمدامین ایمانجانی، مدیرمسئول روزنامه تحت عنوان «آقایان سیاسی؛ مردم کرمانشاه شما را نگاه می‌کنند» سبب شد تا وزارت کشور و شورای اطلاع‌رسانی دولت نسبت به آن واکنش نشان دهند؛ واکنشی که پاسخ روزنامه فرهیختگان رانیز به همراه داشت.

اول؛ زحمات و اقدامات انجام شده در کرمانشاه از سوی دستگاه‌های مسئول را نادیده نمی‌گیریم و بر این باوریم که دشمنی‌ای با هیچ‌یک از بزرگواران نداشته و چنانچه نقدی مطرح می‌شود در جهت اصلاح امور است؛ بر خود می‌بایم که سرمقاله نقدگونه روزنامه فرهیختگان سبب شد تا دوستان در شورای اطلاع‌رسانی دولت گزارش کاری کامل از اقدامات خود در کرمانشاه را ارائه دهند که شاید به دلیل ضعف‌های موجود در ارتباط با رسانه‌ها و همین دشمن‌پنداری رسانه‌ها سبب شده بود تا به حال گزارشی به این جامع و کاملی منتشر نشده باشد.

پاسخگویی وظیفه رسانه است و ما نیز این وظیفه خود را به نحو احسن انجام خواهیم داد و بر خود فرض می‌دانیم پاسخ‌های غیرحقوقی دوستان خود را نیز منتشر کنیم.

دوم؛ همان‌طور که در جمله ابتدایی سرمقاله مشخص است این جمله در گیمه قرار گرفته است و در ادبیات به معنای نقل قول می‌باشد و نشان می‌دهد که سرمقاله با نقل قول آغاز شده است.

ادامه در صفحه ۷

مردم عمل کردند شما چه می‌کنید؟

واکنش سریع مردم ایران به آشوب‌های خیابانی، پروژه براندازی به بهانه مشکلات اقتصادی را دفع کرد، حالا مسئولان برای حل مطالبات مردم وارد میدان شوند

و مجموع مواضع اصلی (نه همه جزئیات) دولت، مجلس، نخبگان سیاسی، مراجع تقلید، چهره‌های دانشگاهی و... خیلی زود به مقابله با پروژه ضدانقلابی براندازی از مسیر اعتراض‌های نظامی و اجتماعی پرداخت. این نوع مقابله با عامل تخریب نظام سیاسی در دنیا مثال‌زدنی است، همه شهرهای درگیر در آشوب‌ها و بسیاری از دیگر شهرها صحنه حضور مردم و پشتیبانی نخبگانی علیه پروژه پایان نظام شد. ورود آشکار آمریکا در حمایت از آشوب هم مثل افتاب‌ی حقیقت و عمق ماجرا را نشان داد، البته باید به اطلاعات اولیه از برخی دستگیری‌ها هم اشاره کرد که نشان می‌دهد جبهه میدانی برنامه‌ریزی گسترده عملیاتی داشته است، اما این همه ماجرا است؟

دستگاه عظیم شفاف‌سازی درباره حجت تخریب چهره براندازانه اعتراض در ایران خوب عمل کرد، ما در «فرهیختگان» از شماره یکشنبه، ۱۰ دی‌ماه تا همین دبروز، ۶ تصویر این پازل را نمایش دادیم؛ با این شروع کردیم که چگونه آشوب‌های خیابانی مانند سال ۸۸ حال اقتصاد را خراب می‌کند، بعد از آن تصویری از دست‌یخت آشوب در افت شدید آمارهای اقتصادی را بررسی کردیم، یک‌دستی گروه‌های مرجع سیاسی در نفی آشوب را علنی کردیم تا بگوییم براندازی کار مطالبه‌گر و منتقد وضع موجود نیست، سند برنامه‌ریزی آمریکا به روایت یک مامور سابق سیا را در معرض دید مخاطب گذاشتیم، در تقابل دولت و شرکت تلگرام که میزبان اتاق فرماندهی فتنه بود با شفاف‌سازی منصفانه موضوع به پروژه تصمیم‌دستگاه اجرایی کشور رای مثبت دادیم تا بگوییم در پروژه تغییر جای میج گیری انتخاباتی نیست و دست آخر گفتیم چگونه آشوب و جنجال اجتماعی زمینه تحریم‌های مجدد را فراهم کرد.

اینها را گفتیم تا میزان اهمیت «جنگ‌جنگ تا رفع فتنه براندازی» را نشان دهیم، وقتی خون مرد و کودک مظلومی به واسطه عملیات میدانی براندازانه ریخته می‌شود، معلوم است موضوع موسسات مالی به طاقت می‌رود، وقتی پرچم کشور را آتش می‌زنند حق میلیون‌ها نیازمند به حاشیه می‌رود... و صد‌ها مورد دیگر... اما همه ماجرا این نیست؛ همان قدر که زدن و قطع کردن دست برانداز اهمیت دارد، توجه به آن چهره اعتراض اقتصادی هم اهمیت دارد که آن میلیون نفر ایرانی که پرچم کشورشان را به نشانه احترام بالای سر گرفتند تا چشم او که با آتش زدن پرچم خوشحال شد کمر شود، حق دارد اعتراض کند.

دی‌ماه ۹۶ برای تاریخ سیاسی ایران اهمیت فوق‌العاده‌ای پیدا کرد، البته بدون اطلاع از جزئیات میدانی از شهرهای مختلف کشور و بدون توجه به واقعیت‌های عینی اقتصادی و اجتماعی تحلیل و نتیجه‌گرفتن از آن تحلیل‌ها بی‌بهره است، شاید برای همین است که در روزهای اخیر کمی بیشتر از حد انتظار روایت‌های متناقض با بستر اجتماعی ایران را می‌بینیم.

شروع و پایان رویدادهای میدانی هفته اخیر دو ظاهر مختلف دارد، درباره این دو چهره اعتراض در ایران دهه ۹۰ حجم اطلاعات به اندازه‌ای است که می‌شود درباره نحوه فراز و فرود اتفاقات نتایج روشنی گرفت. این مطلب اما فقط قصد بررسی دوباره چگونگی شروع ماجراها را ندارد، شعارهای اقتصادی اولیه که خیلی درباره آن صحبت شده است خیلی زود تبدیل به آشوب‌های خون‌بار خیابانی شد تا حداقل از دو مشکل اساسی و حاد فعلی دستگاه‌های حکومتی و حاکمیتی برده «عبان‌تری» بردارد. نه اینکه قبل از اغتشاشات اخیر کسی درباره این دو مشکل چیزی نمی‌دانست؛ همه از عالی‌ترین مقام‌های کشور تا بدنه اجرایی و... به اینکه ایران دهه ۹۰ در سنگین‌ترین نبرد تاریخی حل معضلات اقتصادی است و از سوی دیگر دشمنان آمادگی ضربه زدن دارند، اذعان داشتند اما عملیاتی شدن هر دو چهره «اعتراض» صحنه واقعیت ایران سال ۹۶ را تغییر داد، هفته دوم دی در واقع برای این تاریخی شد که دو مسیر اعتراض در ایران حتما و بدون شک توسط دست بیگانه و عامل داخلی‌اش گره خورد. توجه به تغییرات سریع تحولات از روز پنجشنبه، هفتم دی تا شنبه‌شب نهم دی‌ماه نشان می‌دهد ضمن نگاه کلان و دقیق به چهره اعتراض اقتصادی در جامعه ایران، نباید از چهره «براندازانه» و «تغییرات اساسی» اعتراض غافل شد. متأسفانه برخی صاحبان تربیتی با وجود اینکه می‌گویند آشوب و اغتشاش مذموم است اما همچنان با تزریق نگاه سیاسی به تحلیل‌ها خیلی بدشان نمی‌آید از این آب گل‌آلود ماهی بگیرند؛ نمونه کاریکاتوری این دست فضا سازی در کاری که غلامحسین کرباسچی، دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی کرد مشهود است، انتشار خبر دروغ دخیل بودن امام‌جمعه مشهد در رویدادهای این شهر و تذکر شورای امنیت در خوش‌بینانه‌ترین حالت، استفاده کینه‌توزانه از موقعیت اجتماعی برای ضربه به مخالفان سیاسی است. اگر کمی بدبین باشیم باید به حاشیه بردن فضا به نفع آشوب را هم در نظر داشته باشیم، از سوی دیگر عقده‌گشایی و فرصت‌طلبی ناه‌جای برخی افراد که لباس منتقد دولت را پوشیده‌اند اما در واقع به نفع جریان ضدانقلاب عمل کردند هم قابل تأمل است. این دسته تصور کردند حالا که شهر شلوغ است وقت «تسویه‌حساب» با رئیس‌جمهور مستقر است در حالی که صحنه میدانی هیچ ارتباطی به دولت «الف» یا «ب» نداشت، عملیات شهرآشوب گسترده و متمرکز در شهرهای ایران حرکت علیه تمامیت حاکمیت نظام اسلامی بود.

فضای هفته پیش ایران با تمام حواشی سیاسی‌اش اما در قامت همان دو چهره اعتراض در ایران قابل تحلیل است: چهره اعتراض اقتصادی و چهره براندازی نظام سیاسی؛ سختی تحلیل فضای کنونی نسبت به دخالت هرکدام از این دو در صحنه عمل است، بهتر بگوییم همه دعوا بر سر این است که چگونه عمل کنیم که چهره اول نادیده گرفته نشود و چهره دوم خودش را به عنوان منتقد اقتصادی جا نزند.

واضح است پیچیدگی فضای موجود علیه وضعیت اقتصادی مردم عمل خواهد کرد، اگر نخبگان سیاسی و صاحبان کرسی‌های قانونی کشور در تصویرسازی این دو اشتباه کنند چنان بلایی بر سر مطالبات انبوه مردمی می‌آید که تلخی‌اش بر کام همه خواهد نشست. قیام مردمی پایان هفته گذشته



رضا امیرخانی در گفت‌وگو با «فرهیختگان»
از حاشیه‌های نپذیرفتن بخش مادی جایزه جلال گفت

جایزه مساله‌ام نیست

کتاب جدیدم با عنوان «ره‌ش» در انتظار مجوز است

نویسنده مشهور و موفق در ادبیات داستانی ایران است؛ تیزر و استقبال عمومی از کتاب‌هایش هم قابل مقایسه با معمول کتاب‌های ادبیات داستانی در ایران نیست ولی این همه ماجرا نیست، رضا امیرخانی نویسنده، در تمام این سال‌ها علاوه‌بر اهمیت تأثیرگذار بودن بر ادبیات ایرانی، شاید ناخواسته، به اهمیتی فرامتنی برای همه ما دست یافته است. دو روز پیش وقتی قرار بود، جایزه جلال به‌عنوان یکی از مهم‌ترین جوایز ادبی کشور به او اهدا شود، به احترام سایرین دست روی سینه گذاشت و جایزه معنوی جلال را پذیرفت ولی از پذیرش بخش مادی جایزه سر باز زد. سراغ او رفتیم و از بازخوردهای رسانه‌ای نسبت به اقدام او در شب جایزه جلال گفتیم و او از دلایل نپذیرفتن جایزه‌اش گفت.

بازخوردهای متفاوتی از کاری که در روز پیش هنگام دریافت جایزه جلال انجام دادید در فضای رسانه‌ای صورت گرفته است. عده‌ای می‌گویند رضا امیرخانی به‌خاطر اعتراض به ممیزی، این کار را انجام داده است و بخش دیگری هم متعقدند که به‌خاطر اینکه جایزه جلال، دولتی است نخواهید جایزه را بگیرید و البته به این هم استناد می‌کنند که چند سال قبل، جایزه شهید غنی‌پور را که یک جایزه خصوصی بود، پذیرفتید. سوال این است که چرا رضا امیرخانی بخش مادی جایزه جلال را نپذیرفته است؟

مصر هستم بار دیگر حرف‌های دیروز خودم را تکرار کنم. یک نویسنده اگر نویسنده باشد، به دنبال گرفتن مجوز همواره تلاش خواهد کرد. اما طبعاً گرفتن جایزه جز اهداف کاری‌اش محسوب نمی‌شود. اصل کاری که من با ارشاد دارم گرفتن مجوز است و اتفاقاً گرفتن جایزه جزء کارهایی نیست که برای آن دست به تلاشی بزنم. جایزه یک ارزش معنوی دارد و یک ارزش مادی. ارزش معنوی جایزه به نظر داوران و نهاد برگزارکننده برمی‌گردد، من به نظر داوران جایزه جلال قطعاً احترام می‌گذارم و همین‌طور به خود جایزه جلال. اگر این احترام نبود در جلسه حاضر نمی‌شدم. صراحت عدم حضور در آن سوی قصه این رویه قبلی من هم بوده است. من تا به حال از هیچ ارشادی هیچ جایزه‌ای نگرفته‌ام. واقعیت این است کمتر پیش آمده که اصلاً کاری از من هم نامزد دریافت جایزه‌ای بشود، اما همین اتفاق در دولت پیشین هم افتاد و یک جایزه نه‌چندان مهم به قیدار رسید. در آن جایزه به‌عنوان نویسنده شرکت کردم و همین جملات را گفتم. به نظر هیات داوران احترام گذاشتم و قسمت معنوی جایزه را پذیرفتم اما قسمت مادی را نپذیرفتم. اما در آن دولت تفاوت دیگری بود. دوست نداشتم قسمت مادی جایزه را به ارشاد برگردانم و آن را به یک خیریه اهدا کردم.

اما نسبت به وزارت ارشاد سعیدعباس صالحی حسن ظن دارم. بنابراین قسمت مادی جایزه را به خودشان واگذار کردم که قطعاً درمورد آن تصمیم فرهنگی درستی خواهند گرفت. نه نسبت به این جایزه، بلکه نسبت به همه بودجه‌های فرهنگی. من اعتقاد به این دولت و آن دولت نبوده است، کلاً همین رویه را دارم.

ادامه در صفحه ۴

انا لله و انا الیه راجعون

هر آینه مشیت الهی است که در سلسله تقدیر، دفتر زندگانی بشر در خاک به انتها می‌رسد و به افلاک می‌پیوندد. در آنجاست زندگی جاودان که: «بارگشت همه به سوی اوست» هر چند رحلت انسان‌های پاک‌سرشت و فرهیخته‌ای همچون استاد فقید دکتر عباسعلی نورا به جهت دیدار با معشوق، برای ایشان موهبتی عظیم است لکن تحمل این فراق برای بازماندگانش اندوهی بس سترگ است. هجران آندوهبار عباسعلی نورا، نماینده مردم زابل در دوره‌های پنجم و هشتم مجلس شورای اسلامی و عضو کمیسیون برنامه بودجه مجلس شورای اسلامی را به جامعه سیاسی، علمی، دانشگاهی، دانشگاه آزاد اسلامی، مردم غیور استان سیستان و بلوچستان به‌ویژه مردم شریف شهرستان زابل تسلیت عرض نموده و از درگاه حضرتش علو درجات و کمال غفران را برای آن فقید سعید مسالت می‌نماییم و اجر جزیل را بر خانواده و صابران در این سوگ بشارت می‌دهیم.

شهباز حسن‌پور- نماینده مردم سیرجان و بردسیر در مجلس شورای اسلامی
دکتر علی یعقوبی‌پور- رئیس دانشگاه آزاد اسلامی سیرجان

انا لله و انا الیه راجعون

خبر تأسفبار درگذشت ناگهانی یکی از چهره‌های شاخص و ماندگار علم، سیاست و مدیریت و عضو جامعه دانشگاهی، مرحوم دکتر عباسعلی نورا همه ما و مردم شریف سیستان و دوستان خود را در غم و ماتم فروبرد.

قطعا مردم شریف و حق شناس و قدردان سیستان و دانشگاهیان جای خالی او را در کشور و به‌خصوص در منطقه احساس می‌کنند و به‌خاطر از دست دادن او اندوهگین هستند.

از خداوند متعال علو درجات برای آن فقید سعید و صبر و اجر برای بازماندگان به‌خصوص همسر و فرزندان و خانواده محترم و بزرگ‌نورا و همه مردم شریف سیستان و استان مسلت دارم. مراسم هفت آن مرحوم روز سه‌شنبه در مسجد نور از ساعت ۳:۳۰ تا ۵ برگزار می‌شود.

دکتر عبدا... جاسبی

انا لله و انا الیه راجعون

درگذشت دبیر اسبق ستاد نمایندگان ریاست دانشگاه آزاد اسلامی در استان‌ها، نماینده فقید ادوار مجلس شورای اسلامی و عضو هیات علمی واحد تهران شمال، «دکتر عباسعلی نورا» را به خانواده محترم ایشان و همچنین خانواده بزرگ دانشگاه آزاد اسلامی تسلیت عرض می‌نمایم و برای آن مرحوم غفران و رحمت واسعه از درگاه ذات اقدس احدیت مسالت دارم. روحش شاد و یادش گرامی.

دکتر علی محمد نوربان

ما را در شبکه‌های اجتماعی دنبال کنید
فرهیختگان

تماس با اینستاگرام: Farhikhtegandaily